۱۷ شهریور؛ ادامه درس امام جواد(ع) رهبر معظم انقلاب در سخنرانی به مناسبت ۱۷ شهریور در مصلی نماز جمعه تبریز فرمودند:خاطره خونین ۱۷ شهریور؛ دنباله درس جاوید فراموش‌نشدنی است که امام جواد(ع) به ما داده است. چرا یک امام بزرگوار در ۲۵ سالگی به شهادت می‌رسد؟ و دستگاه جبار زمان این ذریه پیغمبر(ص) را بیش از آن تحمل نمی‌کند؟ پاسخ به این سخن را زندگی و شخصیت امام جواد(ع) به ما می‌دهد. او مظهر مبارزه با باطل بود، او کوششگر برای حکومت اللّه بود. او برای خدا و قرآن مبارزه می‌کرد، او از قدرت‌ها نمی‌ترسید، او در حقیقت امام و الگو و پیشاهنگ این حرکتی بود که امروز ملت ایران همگی دست به دست آن را تعقیب می‌کند.

یادداشت

نگاهی به پیام امام خمینی (ره) به مناسبت واقعه ۱۷شهریور

اوج گیری انقلاب ملت

بهاره داداشی / حوادثی که در روز ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد در صحنه داخلی و ساحت جهانی بازتاب‌های بسیاری داشت و هرکس از نقطه نظری آن را تحلیل کرد و در باب آن سخن گفت، ولی آنچه به موضوع مشترک این سخنان تبدیل شد فجایع بسیار و کشتار انسانی عظیمی بود که در این واقعه انجام شد. شدت تحیر از این حادثه در بین مردم ایران به حدی بود که کسی باور نمی‌کرد و نمی‌خواست به خود بقبولاند که این فاجعه وحشتناک توسط سربازان وارتش همین مرز و بوم صورت گرفته است.

امام خمینی(ره) که در این زمان در تبعید نجف به سر می‌بردند، بشدت از این حادثه متأثر و متألم شدند و با ارسال پیامی به ملت ایران شدت ناراحتی خود را از این فاجعه عظیم اعلام کردند. امام خمینی(ره) در پیامی که در روز ۱۸ شهریور ۵۷ از شهر نجف به ملت ایران ارسال کردند با انتقاد از عملکرد ناصحیح دولت، راهپیمایی مردم در روز ۱۷ شهریور را حق ملت ایران عنوان کردند و افزودند که حقیقت این مخالفت با مجرمی است که تمام هستی ملت را به باد داده است و آن از طرف کسانی بود که در حد عالی شعور سیاسی و دینی بودند. امام‌خمینی(ره) با وجود اینکه نسبت به جریانات پیش آمده بشدت ناراحت و نگران بودند، ولی به مردم امیدواری داده و آنان را نسبت به توجه و کمک به یکدیگر تشویق کردند.

رهبری انقلاب عظیم مردم ایران کار بسیار بزرگی بود که امام خمینی(ره) به شایستگی از عهده آن برآمدند. واقعه ای که در روز ۱۷ شهریور ۵۷ روی داد، اگرچه در روح و جان ملت مسلمان ایران تأثیرات غمباری برجای گذاشت، ولی از سوی دیگر روحیه آنان را برای مبارزه قوت بخشید تا ضمن اینکه از پایمال شدن خون شهدای خود جلوگیری کنند، راهی را که آغاز کرده بودند تا رسیدن به هدف اصلی خود و سرنگونی رژیم پهلوی با قوت و اقتدار ادامه دهند. در این مسیر قوت قلبی که از سوی رهبر خود دریافت می‌کردند و شجاعت‌های ایشان را می‌دیدند به آنان روحیه ای تازه می‌بخشید. رهبر انقلاب نیز اگرچه دور از وطن بودند، ولی اخبار و تحولات مربوط به ایران را با جزئیات آن دنبال می‌کردند و از غربت و تبعید تحمیلی برایشان رهنمودهای روشنگرانه خود را ابلاغ می‌کردند و مردم با همین سخنان راه و مسیر درست خود را مشخص می‌کردند.

چند روز پس از کشتار ۱۷ شهریور در میدان ژاله تهران اعتراضات همچنان به رژیم پهلوی و عملکرد مسلحانه آن ادامه داشت. امام خمینی(ره) نیز مجدداً با ارسال پیامی به حمایت از حرکت‌ها و اعتراضات مردمی پرداختند. ایشان ابتدا ضمن دلجویی نسبت به مصیبت‌های وارده، آنان را براساس آموزه‌های دینی و قرآنی به در پیش گرفتن صبر بشارت دادند:

بسم الله الرحمن الرحیم

و بَشِّرِ الصابِرینَ* الَّذینَ اذا اصابَتْهُمْ مُصیبَةٌ قالوا اِنّا لِلّهِ و اِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ* اولئِکَ علیهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَه وَ اُولئِکَ هُمُ الْمُهْتَدُّونَ

وقتی شما را ای فرزندان عزیز اسلام، خداوند متعال تسلیت می‌دهد، آیا باز هم محتاج به تسلیتید؟ خداوند- عز و جل- می‌فرماید: «بشارت بده صبرکنندگان را؛ کسانی که هر مصیبتی می‌بینند به حساب خدا تحمل می‌کنند و می‌گویند ما همه برای خدا خلق شده‌ایم، برای خدا زندگی می‌کنیم، و وقتی بمیریم از بین نمی‌رویم، بلکه به سوی خدای مهربان برمی‌گردیم. صلوات و رحمت خدا بر ایشان؛ این‌ها هستند که به آرزوی انسانی رسیده‌اند». مع ذلک من به نیابت حضرت ولی عصر امام زمان(عج) به همه مسلمانان جهان مصیبت چهارم شوال سال ۹۸ ه. ق (۱۷ شهریور) را خاصه به خانواده‌های داغدار تسلیت می‌گویم و در عین حال تبریک. و خدا شاهد است مصطفای من تنها آن نبود که سالش نزدیک است، بلکه همه به خاک و خون کشیده‌های حادثه شوال، مصطفاهای من بوده‌اند. من این استقامت را و این فیض شهادت را که خداوند متعال نصیب فرزندانم فرمود به پدران و مادران و همه بستگانشان تبریک می‌گویم. و چنین کشته شدنی که افتخار دارد، بزرگ‌ترین آرزوی من است و شاید نزدیک باشد.

این روحیه و این دلگرمی انگیزه اصلی ادامه حرکت‌های مردمی در اعتراضات اجتماعی شان بود که اکنون مراحل حساسی را طی می‌کرد. امام خمینی(ره) که خود آغازگر این انقلاب مردمی بودند، نسبت به اوضاع و احوال زمان وقوف کامل داشتند و می‌دانستند که هرگونه تعلل و توقفی از سوی مردم، حاکمان ستمگر و خود فروخته را جری تر خواهد کرد، از این رو پس از تسلیت و تبریک این شهادت، بر ادامه مبارزه و حفظ روحیه تأکید کردند و خواستار همبستگی در بین مردم شدند:

«اما فرج و پیروزی حق بر باطل، از آن نزدیک‌تر است. و از این پس جا دارد که همه کارهای خود را تعطیل کنیم- نه برای همیشه- که به همین زودی ظالم جبار سرنگون می‌شود. در بازکردن مغازه‌ها و کارخانه‌ها عجله نکنید. در تقویت روحیه و ایمان کسانی که ضعیفند بکوشید که روزی دست خداست. چند روز تعطیلی کسب و کار برای رضای خدا کسی را از گرسنگی نمی‌کشد. عزت و ثروت دست خداست. از مرگ نترسید که حیات و ممات به دست خداست. تعطیلی را ادامه دهید که فرج نزدیک است. روح الله الموسوی الخمینی. (۲۱ شهریور ۱۳۵۷/ ۹ شوال ۱۳۹۸)

۱- صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۵۹
۲- همان، ص ۴۶۲ و ۴۶۳

«یعقوب توکلی» استاد دانشگاه:

«شریف امامی» محصول اراده وزارت خارجه آمریکا بود

علیرضا رحمانی: هفدهم شهریورماه ۱۳۵۷ نقطهٔ عطفی در روند یک نهضت مردمی است که از سال‌ها پیش آغاز شده بود و تا چند ماه بعد به پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران منجر شد. روزی که خیل مخالفان حکومت پهلوی به شهادت رسیدند تا با عنوان «جمعهٔ سیاه» از آن روز یاد شود.آنچه در ۱۷ شهریور به وقوع پیوست، پیشینه‌ای چند روزه داشت که نشأت گرفته از تغییر و تحولات سیاسی روز کشور بود. کشتار مردم در آن جمعهٔ خونین، به نوعی به یک شاخص برای صف‌بندی دقیق بین حامیان و مخالفان حکومت تبدیل شد تا چهره واقعی سلطنت پهلوی را برای همگان مشخص کند. برای تحلیل برخی وقایع آن روز سراغ «یعقوب توکلی» یکی از محققان در زمینهٔ تاریخ رفتیم که سابقهٔ تدریس در دانشگاه‌های سوره، شهید بهشتی، شاهد و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم را در کارنامه‌اش دارد.

وی تاکنون ده‌ها اثر علمی و پژوهشی تألیف نموده و نگارنده اثر هفت جلدی فرهنگنامه «جاودانه‌های تاریخ» نیز هست. توکلی در این گفت‌وگو به تشریح برخی حقایق، پیرامون شکل گرفتن حوادث آن روز پرداخته و برخی سیاست‌های آمریکا در قبال ایران را نیز بیان کرد. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

واقعه ۱۷ شهریور ۵۷ در روند نهضت امام خمینی(ره) چه جایگاهی داشت؟

تظاهرات ۱۳ و ۱۶ شهریور در تهران که با ابتکار جامعه روحانیت مبارز و امثال شهید بهشتی و شهید مطهری در این شهر به راه افتاده بود وحشت رژیم پهلوی و آمریکا را از گسترش دامنه تظاهرات به حوزه مرکز افزایش داد، چون پیش از این تظاهرات جدی در خیابان‌های شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها واقع می‌شد و تا آن زمان تظاهراتی در تهران صورت نگرفته بود؛ تا اینکه تظاهرات سیزده و شانزده شهریور به راه افتاد.

این راهپیمایی‌ها در چه مسیرهایی انجام شد و چه ویژگی‌هایی داشت؟

- تظاهرات ۱۶ شهریور از چهارراه قصر تا پیچ شمیران گسترش پیدا کرد. در این روز خیل مردمی که برای اقامه نماز جماعت به امامت آیت‌الله بهشتی شرکت کرده بودند تشکیل شد. این حرکت وحشتی در دل رژیم ایجاد کرد، به همین دلیل بود که آمریکایی‌ها تصمیم به اعمال حکومت نظامی گرفتند. این تصمیم شبانه گرفته شد و همان نیمه‌شب هم اعلام کردند، در حالی که می‌دانستند عده‌ای از مردم اطراف میدان شهدا قرار است به پیشنهاد آیت‌الله یحیی نوری تجمعی صورت بدهند. تجمع اولیه‌ای که در ۱۷ شهریور شکل گرفت به خشونت حداکثری رژیم پهلوی انجامید و این در حالی بود که اطلاع‌رسانی کافی در خصوص حکومت نظامی صورت نگرفته بود.

اساس رفتار وحشیانه رژیم شاه در آن مقطع از چه چیزی ناشی می‌شد؟

- در دوره ذکر شده اختلاف نظری در دستگاه سیاست خارجی آمریکا وجود داشت معطوف به اینکه «در مواجهه با انقلاب اسلامی ایران چه باید کرد؟» یک جریان که همراه و هم پیوند با سیاست‌های انگلستان در ایران بود اعتقاد داشت انقلاب در ایران قطعی وجدی است و نمی‌توان در مقابل آن ایستادگی کرد. این جریان معتقد بود باید بر موج انقلاب سوار شوند و با آن همراهی کنند تا بعد بتوانند مهار آن را به دست بگیرند. این گزینه‌ای بود که در انقلاب مشروطه هم انگلیسی‌ها آن را عملی کرده بودند. در جریان انقلاب اسلامی هم از قضا پیشنهادهایی که سفارت انگلیس می‌دهد ـ بر اساس خاطرات آنتونی پارسونز ـ و نظرات وزارت خارجه آمریکا بر این اساس است که ما نمی‌توانیم انقلاب ایران را مهار کنیم، جریان انقلاب به حرکت خود ادامه خواهد داد و ما فقط می‌توانیم آرام آرام بر این موج سوار شویم و از طریق افرادی که با ما هماهنگ هستند، آن را مهار کنیم.

برای به کار بستن این روش چه اقدام‌هایی انجام شد؟

- طیفی از وزارت خارجه و سازمان سیا روی این موضوع کار می‌کردند و این‌ها بتدریج با تمام عناصر ملی‌گرا در داخل هم ارتباط گرفته بودند تا بتوانند از این طریق انقلاب را به خدمت بگیرند. جریان دوم نیز معتقد بود اگر دیر اقدام کنیم این رهبران حکومت هستند که مجازات خواهند شد. همچنین تجربه انقلاب‌های اروپا ثابت کرده بود هر زمان دولت‌ها کوتاه آمده بودند حکومتشان سقوط کرده بود و رهبران آن‌ها مجازات شده بودند. آنچه گفته شد نگاه برژینسکی بود. این نگاه برژینسکی و سایروس ونس (مشاور امنیت ملی و وزیر خارجه آمریکا) در سیاست‌های محمدرضا پهلوی در داخل کشور انعکاس دارد. تظاهرات ۱۶ شهریور موجب می‌شود نگاه برژینسکی در ایران حاکم شود و سیاست مشت آهنین اتخاذ شده و کشتار مردم اتفاق بیفتد.

جایگزینی شریف امامی به جای آموزگار در آن مقطع چه علتی داشت؟ و شریف امامی چه ویژگی‌هایی داشت که از طرف شاه انتخاب شد؟

- آموزگار تکنوکراتی بود که اهل سیاست نبود. او بیشتر به عنوان مدیر اقتصادی شناخته می‌شد. اینکه اهل سیاست نبود بدان معناست که وقتی در دوران حاکمیت آموزگار فضای انقلاب شکل گرفت قاعدتا او باید برکنار می‌شد. علاوه بر اینکه آموزگار در برخورد با مردم خشن و غیرمنعطف رفتار می‌کرد. تعویض شریف امامی با آموزگار بدان معنا نبود که شریف امامی برخلاف آموزگار به هیچ قدرتی وابسته نباشد، هر دو به آمریکایی‌ها وابسته بودند و تحرکاتی هم داشتند، اما واقعیت این است که آموزگار سابقه و پیشینه خانوادگی شریف امامی را نداشت. به همین دلیل چنین تصور می‌شد که با روی کار آوردن شریف امامی از آن جهت که با بعضی از روحانیونی که تأثیر خاصی در انقلاب ندارند آمد و شد و ارتباطاتی دارد، اگر این‌ها به قدرت برسند، مانع از به نتیجه رسیدن انقلاب خواهد بود.

متأسفانه در این زمان شاهد هستیم حتی بعضی از کسانی که در جریان روحانیت هم بودند با شریف امامی هماهنگ شدند و آمد و شد و مناسباتی داشتند. تصور شاه این بود که شریف امامی به دلیل این پیوندها می‌تواند جریان انقلاب را مهار کند.

آن گونه که عنوان شده، شریف امامی در صدد بود با ارایه یک چهره دینی و مردم دوست از خشم و نفرت عمومی بکاهد، اما چرا موفق نشد؟

- همین گونه است. شریف امامی محصول اراده وزارت خارجه آمریکاست. این سیاست که کسی را بیاورند که بتواند بر موج انقلاب سوار شود. او آمد و از آشتی ملی، مبارزه با فساد و تعطیلی کازینوها حرف زد (در حالی که خودش کازینودار بود). او را برای ایجاد رضایت آورده بودند و در همین راستا اقداماتی در فضای رسانه‌ای انجام دادند که تغییر تاریخ شمسی و قمری را می‌توان از آن جمله نام برد. آن‌ها فکر می‌کردند با چنین اقداماتی می‌توانند مردم را آرام کنند، اما نه تنها مردم آرام نشدند، بلکه جریان انقلاب گسترش پیدا کرد و این زمان بود که به سمت مشت آهنین برژینسکی رفتند، بنابراین حکومت نظامی اعلام شد و کشتار کردند.

جریان انقلاب جریانی نیرومند، دارای اصالت، معطوف به رهبری بسیار هوشمند و دانشمند بود که برای رسیدن به خواسته خود هدفگذاری کرده بود. به باور من این موج قابلیت کنترل نداشت و همان زمان هم این را فهمیده بودند، اما همواره سعی می‌کردند با روش‌های مختلف با آن روبه رو شوند، با جریان همراهی کنند و از این طریق انقلابی را که نتوانسته بودند در نطفه خفه کنند، در مراحل بعد سرکوب نمایند.

حمایت کارتر از شاه در این کشتار وحشیانه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

- حمایت کارتر از شاه تام و تمام بود. حتی اگر ما با اشکال گوناگونی از حمایت روبه‌رو هستیم، نشان دهنده این واقعیت است که کارتر قصد داشته حداکثر منافع امنیتی و نظامی به محمدرضا پهلوی داده شود و حمایت از او صورت بگیرد تا آن ساختار بتواند بر سر قدرت باقی بماند.

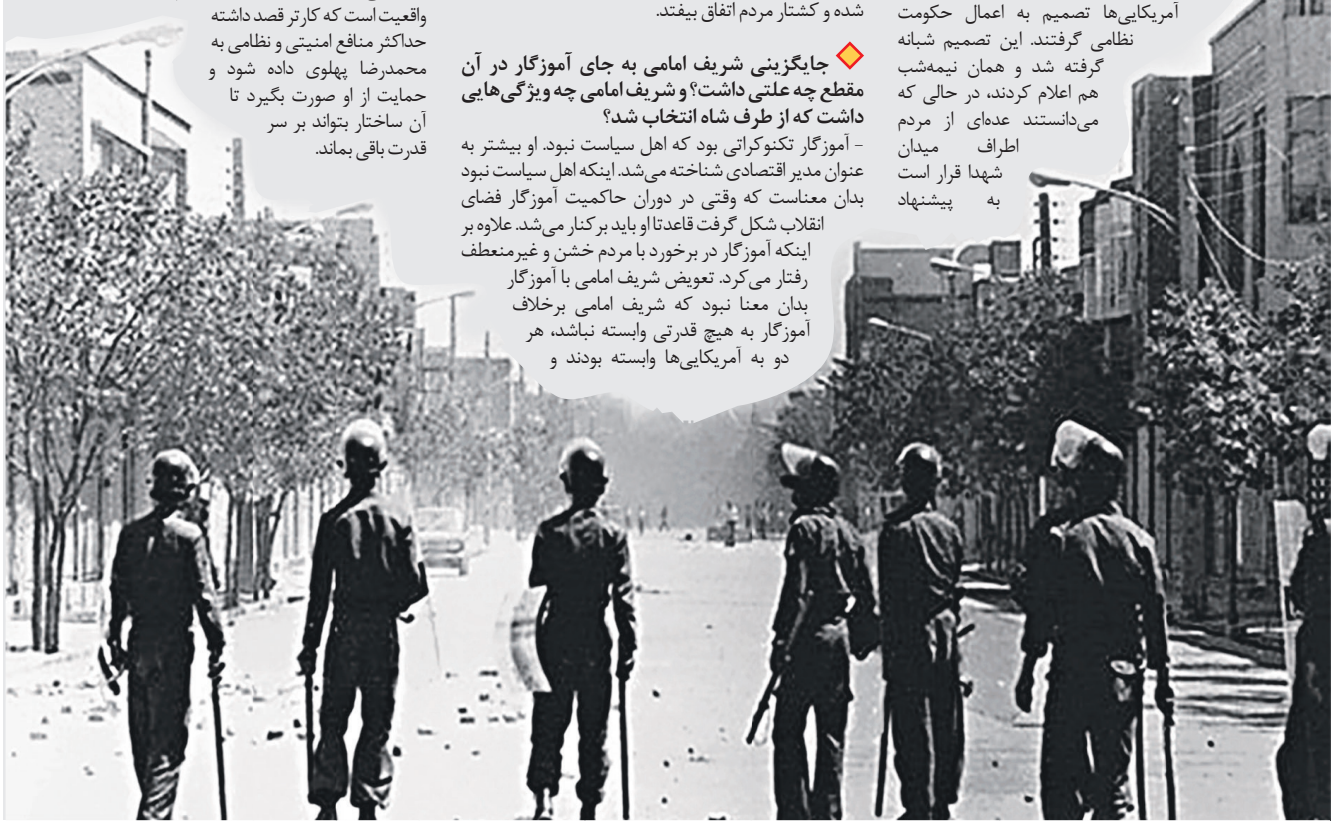

نگاه

پایان امید واهی حکومت طاغوت

جمعه خونین و گسترش دامنه اعتراضات مردمی به حکومت پهلوی

کامران قدیم آبادی: سال ۱۳۵۷ با به وقوع پیوستن یک سلسله اتفاقات در عرصه اجتماعی، تنور مبارزات مردمی بسیار شعله ور شد و دامنه گرمای آن سراسر کشور را فرا گرفت. در این بین برخی اتفاقات برجسته‌تر بود و خود زمینه ساز اتفاقات و تحولات بعدی شد.

اقدامات نظامی و تصمیمات سیاسی حکومت در برخورد با مخالفان در اواخر سال ۵۶ در ظاهر بسیاری از مخالفت‌ها را در نطفه خفه کرده بود، ولی این سکون و آرامش موقتی، همچون خاکستری در زیر آتش در انتظار فرصتی برای فوران کردن بود. این وضعیت آرام تا مرداد ماه سال ۵۷ با شیب ملایمی ادامه داشت. که در این ماه چند حادثه مهم اجتماعی اتفاق افتاد که تبعات سیاسی بسیاری برای حکومت پهلوی به دنبال داشت. اعتراضاتی که در شهر اصفهان و در اعتراض به دستگیری امام جماعت این شهر برگزار شد با برقراری حکومت نظامی به درگیری گسترده ای منجر شد. پس از این حادثه اعتراضات به شکل بسته شدن بازار ادامه یافت و با برگزاری مراسم شب هفت و چهلم برای شهدای مردمی، موجبات نگرانی بیشتر حکومت را فراهم کرد. حضور تعداد زیادی از کارشناسان آمریکایی و انگلیسی که در تأسیسات شهر اصفهان کار می‌کردند بر نگرانی‌های شاه افزود و دولت را در برقراری حکومت نظامی مصمم‌تر کرد.

پس از حوادث شهر اصفهان حادثه مهم دیگری در شهر آبادان روی داد که در اثر آتش‌سوزی در سینما رکس این شهر تعداد ۳۷۰ تن به شهادت رسیدند. گمانه زنی‌ها در خصوص علت این حادثه با وجود جوسازی‌های عوامل حکومتی برای مقصر جلوه دادن نیروهای مذهبی با این تفسیر که این گروه‌ها با نمایش فیلم برای مردم مخالفت دارند، همچنان موجب تشدید نارضایتی‌های مردم از حکومت شد و رژیم پهلوی به عنوان مقصر اصلی و عمدی این فاجعه در محافل سیاسی و مذهبی مورد انتقاد مخالفان قرار گرفت و بیش از پیش بر تصمیمات مردمی برای سرنگونی این حکومت افزود.این تحولات حکومت پهلوی را به ایجاد تغییراتی در ساختار سیاسی واداشت و به جای دولت جمشید آموزگار دولت جعفر شریف امامی با رویکرد آشتی جویانه با ملت بر سر کار آمد. اما این تغییرات مطالبات مردم را تأمین نکرد و آنان مترصد فرصتی برای تغییر اساس حکومت بودند. ماه رمضان نیز شرایط و محیط مناسبی را برای ارتباطات بیشتر مردم و رهبران مذهبی مهیا کرده بود تا ضمن اطلاع از اوضاع سایر نقاط کشور، رهنمودها و توصیه‌های لازم برای طی مسیر تا رسیدن به اهداف عالیه انقلاب را به دست آورند. این حضور و گردهمایی‌های مردمی در روز عیدفطر به اوج خود رسید و حرکت اعتراضی مردم در همه شهرها و بخصوص در تهران رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفت و بر حساسیت‌های حکومت نیز افزود.

رژیم پهلوی که بر اوضاع نابسامان خود هنوز امید داشت، گمان کرد با شدت عمل می‌تواند این سیل خروشان را متوقف کند. این روز که به «جمعه خونین» در تاریخ انقلاب معروف شد، نقطه پرشی برای تحولات بعدی تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه شد.

پس از کشتار مردم در میدان ژاله بازخوردهای مردم به این جریان تا مدت‌ها ادامه یافت و از فردای آن روز در اعتراض و اعلام نارضایتی به این اقدام بازارها بسته شد و تمام کشور به مدت یک هفته در اعتصاب و تحریم فرو رفت. از طرف مقابل اما حکومت همچنان به تصمیمات نابخردانه خود ادامه می‌داد و قانون منع رفت و آمدها همچنان برقرار بود. اعتصابات گسترده‌ای که پس از واقعه مهم ۱۷ شهریور در سراسر کشور انجام شد، نتایج داخلی و خارجی مهمی برای کشور پدید آورد تا ضعف حکومت در مدیریت و محبوبیت نداشته خود را هرچه بیشتر نمایان کند. این اعتصابات اهدافی کاملاً سیاسی را دنبال می‌کرد و در برخی موارد خواسته‌های صنفی را نیز مطرح می‌ساخت تا ضمن وادار کردن حکومت به بهبود شرایط کارگری، با تعطیل کردن روند تولید، موجب اخلال در فعالیت‌های اقتصادی حکومت و منافع حاصل از آن برای دولت نیز بشود. از اولین اعتصابات که در واکنشی اعتراضی به عملکرد حکومت در ۱۷ شهریور انجام شد، اعتصاب ۷۰۰ تن از کارگران و کارمندان پالایشگاه نفت تهران بود که موجب اعتصابات دامنه داری در سایر پالایشگاه‌ها در اهواز، گچساران و آبادان شد و در فواصل زمانی مختلف اما به شکلی کاملاً متحد و به هم پیوسته و در حمایت از یکدیگر خواسته‌های مشترکی را دنبال می‌کردند. همچنین انتشار اسناد مربوط به خروج ۲ میلیارد دلار ارز بوسیله سران بلندپایه رژیم، زمینه اعتصاب شعب بانک‌ها را فراهم ساخت. این وضعیت همچنان ادامه داشت و با شروع سال تحصیلی راهپیمایی‌های دانش آموزان و دانشجویان نیز به آن اضافه شد. گسترش اعتراضات به شرکت‌های راه آهن، بنادر و بازاریان، شرکت ذوب آهن و سایر مؤسسات تجاری و آموزشی و اقتصادی مهم، کشور را افلیج کرد. خسارت‌های حاصل از این اعتصابات بخصوص در عرصه فروش نفت که عمده‌ترین منبع درآمد دولت نیز محسوب می‌شد، منابع ارزی مورد نیاز کشور برای تأمین نیازهای اساسی را دچار مشکل کرد. ضمن اینکه در بعد داخلی و با فرارسیدن ماه‌های سرد سال تأمین مصارف انرژی را با مشکل مواجه می‌کرد. ایجاد وضعیت بحران در اقتصادی‌ترین صحنه سیاسی کشور تعهدات بین‌المللی در قبال ایران را نیز با اشکال و تهدید مواجه کرد و دولت هایی که در قبال ایران دارای تعهدات اقتصادی و مالی بودند، بخصوص آمریکا از انجام تعهدات خود با بهانه اوضاع نامتعادل داخلی سرباز زدند.

استقرار شرایط نظامی و ناامنی از طرف دیگر فرصت و انگیزه هرگونه سرمایه گذاری را نیز از کشور دور کرد و تصمیم رژیم برای برخورد قهرآمیز با ملت خود، موجب شد تا شرایط برضد خود رژیم تغییر کند. اگرچه دولت سعی داشت تا با اعلام تسهیلاتی مبنی بر بخشودگی مخالفان سیاسی در داخل و خارج و یا متلاشی کردن حزب رستاخیز و اقداماتی مشابه این، گردونه مناسبات را به نفع خود تغییر دهد، اما این تصمیمات تقلای بیهوده در مرداب بود و حکایت از این موضوع مهم می‌کرد که مردم در موقعیتی برتر در مقابل حکومت قرار گرفته اند و دولت حاضر است برای حفظ جایگاه و موقعیت خود، محدودیت هایی را که پیش از این مقرر کرده بود نه تنها حذف کند، بلکه امتیازاتی نیز به طرف مقابل بدهد. اتحاد و یکپارچگی مردم به عنوان رمز اصلی پیروزی برای آنان بود تا با حفظ خون شهدای خود در ۱۷ شهریور به خواست خود مبنی بر تغییر رژیم سیاسی کشور جامه عمل بپوشانند.

۱۷ شهریور به روایت اسناد ساواک

مردم باور نمی‌کردند این مأموران ایرانی باشند

روح الله امین آبادی: در روز ۱۶ شهریور ۱۳۵۷ مردم که نتیجه شیرین راهپیمایی عید فطر را به خوبی درک کرده بودند دست به تجمعی بزرگ زدند، تجمعی که رژیم را به وحشت انداخت و مصمم ساخت تا دست به یک جنایت بزرگ بزند، جنایتی که مردم را از تجمعات بعدی برحذر دارد!

رژیم که به خوبی نتیجه تجمعات میلیونی مردم را لمس کرده بود با مشورت مقامات نظامی و امنیتی به این نتیجه می‌رسد که حکومت نظامی اعلام کند و در واپسین ساعات روز ۱۶ شهریور اعلامیه برقراری حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهر دیگر نوشته می‌شود.

با وجود این مردم از پای ننشسته و در روز ۱۷ شهریور و در میدان ژاله تجمعی بزرگ برگزار کردند و رژیم دست به یک جنایت تاریخی زد، جنایتی که پایه‌های طاغوت را بیش از پیش به لرزه در آورده و در ۲۲ بهمن همین سال به عمر ۲۵۰۰ ساله رژیم شاهنشاهی در ایران پایان داد.

نگاهی به اسناد ساواک و خاطرات مأموران سفارت آمریکا عمق این فاجعه را به خوبی نشان می‌دهد.

مردمی که به هشدار مأموران گوش نکردند

اسناد به جای مانده از ساواک نشان می‌دهد، سرآغاز راهپیمایی جمعه ۱۷ شهریور، تجمع میلیونی عید فطر - ۱۳ شهریور - بود. در یکی از اسناد ساواک در این زمینه ضمن تخفیف جمعیت حاضر در راهپیمایی مردم آمده است « به دنبال تظاهراتی که از طرف حدود ۶۰ هزار نفر از قشریون مذهبی در روز ۱۳ شهریور ۵۷ (۲۵۳۷ شاهنشاهی) انجام گرفت، در خاتمه تظاهرات مذکور در میدان باغشاه تهران... از جمعیت خواسته شد که مجددا در روز ۱۶ شهریور در اراضی قیطریه شمیران اجتماع و از این محل به راهپیمایی و تظاهرات مبادرت نمایند » در این سند با اشاره به تعطیلی مغازه‌ها در تهران و در روز ۱۶ شهریور آمده است «از طرف مامورین انتظامی مستقر در محل به اجتماع کنندگان چندین بار تذکر داده شد از اجتماع خودداری و متفرق گردند، لیکن اجتماع کنندگان بدون توجه به اخطارهای مامورین، پس از آنکه تعداد آن‌ها به حدود ۵ هزار نفر رسید از خیابان کوروش کبیر به سمت جنوب حرکت کردند...»

ضد اطلاعات ژاندارمری نیز در گزارشی به ساواک اعلام می‌کند « تظاهرکنندگان خیابان کوروش کبیر [شریعتی] و سه راه تخت‌جمشید [طالقانی] به وسیله نوشته، قرار ملاقات‌های بعدی خود را به شرح زیر تعیین می‌نمایند...۱ - فردا صبح محل ملاقات منزل آقای نوری واقع در آب سردار خیابان شهدا...» (۱)

حکومت نظامی با تأیید مستقیم شاه!

اسناد آشکارا نشان می‌دهد حکومت نظامی و مقابله با مردم با تأیید مستقیم شاه به اجرا در آمده بود. «طبق منابع موجود شورای امنیت ملی متشکل از نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه، رئیس ستاد ارتش، رئیس ساواک، رئیس شهربانی، فرمانده ژاندارمری و وزیر کشور روز ۱۶ شهریور جلسه‌ای تشکیل می‌دهد. در این جلسه سپهبد مقدم رئیس وقت ساواک اظهار می‌دارد که طبق گزارش‌های رسیده تظاهرات پنجشنبه (۵۷/۶/۱۶) و روز جمعه هم ادامه خواهد داشت و اینکه «قرار است فردا در مملکت آشوب به پا بکنند و مملکت را به هم بزنند. من مراتب را به عرض اعلی حضرت رساندم که به نظر من ضرورت دارد که اعلام حکومت نظامی بشود.»(۲)

« شاه به مقدم دستور می‌دهد مسأله را در شورای امنیت بررسی کنند. رئیس اداره دوم و سوم ارتش هم که در این جلسه شرکت کرده بودند به برقراری حکومت نظامی تأکید می‌کنند.» (۳)

مردم باور نمی‌کردند این مأموران ایرانی باشند

اعلامیه حکومت نظامی ساعت ۶ صبح روز ۱۷ شهریور از رادیو خوانده می‌شود و مردمی که دیرهنگام از این موضوع خبردار شده بودند در میدان ژاله گرفتار و توسط مأموران رژیم قتل عام می‌شوند. اعتراض علیه رژیم طاغوت، در روز ۱۷ شهریور، تنها مختص میدان ژاله [شهدا] نبود. اسناد ساواک نشان می‌دهد تا پایان این روز، زد و خوردهای خیابانی در سایر نقاط تهران وجود داشت.

از سوی دیگر و در پی واقعه میدان شهدا شایعه حضور سربازان اسراییلی در ایران قوت می‌گیرد. مردم معتقد بودند سربازان ایرانی چنین بی رحمانه نمی‌توانند به سوی هموطنان خود تیراندازی کنند و رژیم برای سرکوب مردم از اسراییل سرباز آورده است. ساواک با جدیت تمام در پی تکذیب این شایعه بود.

در یکی از اسناد ساواک آمده است « این موضوع در بین مردم قوت گرفته است که چون سربازان ایرانی از تیراندازی به سوی مردم خودداری می‌کنند لذا دولت اقداماتی به عمل آورده که سربازان اسراییلی به سوی مردم بی‌گناه تیراندازی و آن‌ها را بی رحمانه بکشند... اصلح است به وسیله رسانه‌های گروهی فورا این موضوع قویا تکذیب و دلایل رد این ادعا به سمع همگان برسد»

پی نوشت‌ها:

۱- مرکز بررسی اسناد تاریخ وزارت اطلاعات؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک؛ کتاب یازدهم؛ تهران؛ ۱۳۸۱؛ صفحه ۸

۲- انقلاب اسلامی به روایت رادیو بی بی سی، صص ۲۲۸ و ۲۲۹

۳- مرکز بررسی اسناد تاریخ وزارت اطلاعات؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک؛ کتاب یازدهم؛ تهران؛ ۱۳۸۱؛ صفحه ۴۳